



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

گزارش چکیده پایان نامه / رساله
فارسی و انگلیسی



نام و نام خانوادگی دانشجو:		علی ملکی		رشته حصیلی:	فقه و حقوق جزا	مقطع تحصیلی:	دکترای تخصصی	تاریخ دفاع:	۱۴۰۰/۶/۲۱
نام استاد راهنما		دکتر مجید قورچی بیگی		نام استاد مشاور	دکتر سید منصور میرسعیدی دکتر ابوالحسن مجتهد سلیمانی	نام استاد/ اساتید داور	ادکتر ابوالقاسم نقیبی دکتر امیر وطنی دکتر اعظم مهدوی پور		
عنوان پایان نامه/ ساله:		مبانی عقلی حقوق کیفری در فقه امامیه: با رویکردی به قوانین موضوعه ایران							
بیان مسئله:		<p>شناخت مبانی عقلی حقوق کیفری به بررسی دقیق فلسفه (چیستی و چرایی) حقوق کیفری و همچنین درک صحیح مفهوم و کارکردهای عقل مستقل از دیدگاه فقیهان شیعه نیازمند است. این پژوهش درصدد است تا مبانی عقلی حقوق کیفری را در فقه امامیه بررسی کند، همچنین به دلیل اقتباس قوانین کشور ایران از فقه امامیه تأثیرپذیری قوانین جمهوری اسلامی ایران را با مبانی مزبور تطبیق می‌دهیم.</p> <p>بررسی مصالح و مفساد عامه در احکام کیفری، بررسی نقش حسن و قبح عقلی در حقوق کیفری و تحلیل ماهیت اعتباری حقوق کیفری مبانی و بنیادهای عقلی حقوق کیفری را مبرهن می‌سازد، بدین شرح که پس از پذیرفتن این مهم که احکام شرع دائرمدار مصالح و مفساد واقعی بنا شده‌اند و این نکته که فهم این مصالح و مفساد ممکن است. تبعیت احکام شرع از مصالح و مفساد موجود در متعلق احکام کیفری ضمن مقاصد شریعت و چگونگی حفظ مقصدهای مزبور ضمن تعیین کیفرهای حدود، تعزیرات، قصاص و دیات بررسی می‌شود. محل بحث تبیین چگونگی تحقق حفظ دین، نفس، نسل، عقل و مال (مقاصد شریعت) با جرم‌انگاری و اعمال مجازات است، بدین‌سان که هر کدام از انواع مجازات حد، قصاص، دیه و تعزیر چگونه با مفسده وجود در موجبات حد، قصاص، دیه و تعزیر مقابله می‌کند؛ در واقع، تبیین مصالح و مقابله با مفساد در نظام مقابله با جرم در حقوق اسلام محل اصلی بحث است.</p> <p>حسن و قبح عقلی بر اموری اشاره دارد که عقل انسان انجام آن را شایسته یا سزاوار نکوهش و کیفر می‌داند. عقل نظری و عقل عملی به‌عنوان دو شعبه از عقل، هر یک کارکردهای مختلفی در حقوق کیفری دارند؛ عقل نظری ملاکات جعل قوانین و احکام الهی را قطعی نمی‌فهمد، لیکن به شناختن تحسینات و تقبیحات نظری حقوق کیفری می‌پردازد، عقل</p>							

عملی نیز مدرک کلی حسن اعطای حق به ذی‌الحق و قبح سلب حق از ذی‌الحق می‌باشد و باید‌ها و نباید‌های رفتاری را کشف می‌کند. بسیاری از اصول حقوق کیفری در قالب عقل نظری و عقل عملی قابل اثبات هستند؛ به‌عنوان نمونه اصل شخصی بودن مجازات که عقل عملی آن را کشف می‌کند و شارع مقدس به حکم عقل ارشاد می‌کند و «لاتزر وازره وزر آخری» را می‌فرماید. عقل نظری و عقل عملی و مدرکات آنها به‌عنوان دو مبحث از حسن و قبح عقلی هستند. حکومت اصل اشتراک به دلیل قبح ترجیح بلامرجح، نیازمندی عقوبت‌ها به دلیل، بر مبنای اصل علیت، ضرورت وجود اراده و علم در مرتکب به دلیل ضرورت تحقق علت تامه جهت تحقق معلول از مدرکات عقل نظری است. عقل عملی نیز قبح تحمیل مجازات بر غیر مرتکب را درک می‌کند که این گزاره خود مشتمل بر شخصی بودن مجازات، منع مجازات متجری و منع مجازات اندیشه مجرمانه است. تناسب جرم یا مجازات نیز از مدرکات دیگر عقل عملی است که عموماً به اشخاصی مانند مونتسکیو و سزار بکاریا نسبت داده می‌شود، حال آنکه این مهم نیز از مدرکات عقل عملی است. قبح اضرار به غیر نیز مفهومی است که عقل بدیهی درک می‌کند و اضطرار و اکراه (و دفاع مشروع) استثنائات آن هستند. در واقع مفاهیم حسن و قبح عقلی بیش از آنکه محل مناقشه باشند، نیازمند تبیین هستند.

علم حقوق علم اعتبار است. حقوق کیفری نیز به‌عنوان شاخه‌ای از علم حقوق از مجموعه قواعدی تشکیل می‌شود که از واقعیت‌ها و حقایق عالم خارج انتزاع می‌شود، این روابط دارای ماهیت اعتباری هستند و عقل مستقل، ماهیت جرم و مجازات را به‌عنوان ارکان حقوق کیفری توصیف، تبیین و تحلیل می‌کند. ماهیت اعتباری جرم و ماهیت اعتباری مجازات دو بخش اصلی این مبحث هستند و در این قسمت بررسی خواهند شد. جرم و مجازات دو رکن اصلی حقوق کیفری را تشکیل می‌دهند. تحلیل ماهیت اعتباری جرم، چیستی و چرایی تحقق رفتار مجرمانه را از دیدگاه فلسفی محض مبین می‌سازد، بدین صورت که نیاز، مابازاء خارجی و وجود ضرورت بین نیاز و مابازاء خارجی سبب ارتکاب جرم می‌شود. جامعه که با وجود جریان جرم در اجتماع حیات خود را در معرض خطر می‌بیند، با احساس نیاز با یافتن مابازاء خارجی (مجازات) و وجود رابطه ضرورت بین این دو از توسعه هرچه بیشتر جرم جلوگیری می‌کند.

روش پژوهش:

با توجه به اینکه تحقیق حاضر در حوزه مطالعات دینی قرار دارد، از روش تلفیقی (برون دینی و درون دینی) بهره می‌برد، روش تحلیل داده‌ها در حوزه درون دینی سمانتیکی است و در حوزه برون دینی تحلیلی - منطقی است. گردآوری اطلاعات در این پژوهش به شیوه مطالعه کتابخانه‌ای از طریق بررسی داده‌های کیفی صوت می‌گیرد. یادداشت‌برداری و طبقه‌بندی یادداشت‌ها از طریق فیش‌برداری از متون فقهی، اصولی، حقوقی و در برخی موارد فلسفی و کلامی صورت گرفته است.

رویکرد این پژوهش بر اساس ماهیت داده‌ها و مبنای پژوهش بر اساس اهداف پژوهش، مختلط (بنیادین و کاربردی) است. این رویکرد در مباحث مرتبط با فلسفه فقه و حقوق غالباً بنیادین و هنگام بررسی قوانین موضوعه ایران، کاربردی است. تحقیق حاضر بر مبنای روش گردآوری داده‌ها، توصیفی است.

سؤال و فرضیه تحقیق:

- پرسش اصلی پژوهش به‌قرار زیر است:
- مبنای عقلی حقوق کیفری در فقه امامیه چیست؟
- پرسش‌های فرعی رساله به‌قرار زیر هستند:
- نقش حفظ مقاصد شریعت در لزوم جرم انگاری و تعیین مجازات چیست؟
- کارکرد عقل عملی و عقل نظری در حقوق کیفری چیست؟

- تحلیل ماهیت اعتباری جرم و مجازات چیست؟

- قوانین موضوعه ایران از مبانی عقلی مذکور چه تأثیری پذیرفته است؟

فرضیه‌های اصلی عبارت‌اند از:

فطریات، واجبات (اصول) نظامیه، حسن عدل و قبح ظلم، و وجوب دفع ضرر محتمل و کرامت انسان بنیادهای عقلی حقوق کیفری هستند که سایر مفاهیم عقلی به نوعی از آنها منتج می‌شوند. مصالح و مفاسد عامه، حسن و قبح عقلی و تحلیل ماهیت اعتباری حقوق کیفری سه مبنای اصلی عقلی حقوق کیفری هستند.

فرضیه‌های فرعی عبارت‌اند از:

دین، نفس، نسل، عقل و مال مقاصد احکام کیفری هستند و جرم‌انگاری جهت مقابله با مفاسد جرم و حفظ مقاصد مذکور هستند.

حسن برابرنگاری، نیازمندی عقوبت‌ها به دلیل، ضرورت وجود اراده در مرتکب و ضرورت وجود علم در مرتکب یافته‌های عقل نظری هستند و قبح عقاب بلا بیان، قبح تحمیل مجازات بر غیر مرتکب، تناسب جرم با مجازات و منع اضرار به دیگری یافته‌های عقل عملی مرتبط با حقوق کیفری هستند.

درک نیاز مانند لزوم تشفی خاطر، به دست آوردن مال، اطفاء غریزه جنسی، یافتن مابازاء خارجی در عالم خارج و احراز ضرورت و وجوب ارتکاب جهت برآورده شدن نیاز سه رکن اعتباری جرم را تشکیل می‌دهند. با عنایت به اصل کوشش برای حیات و اصل انطباق با محیط جامعه نیز در مقابل جریان جرم احساس خطر می‌کند، لذا بر اساس نیاز حاصله مابازاء خارجی - که همان مجازات است - را می‌یابد و آن را وضع می‌کند.

قانون‌گذار کشور ایران احکام حدود را غالباً جهت حفظ نسل و عقل (مثلاً شرب خمر) وضع کرده است و قصاص و دیات را جهت حفظ نسل و نفس (در موجبات قصاص در مادون نفس)، مقاصد تعزیرات نیز حسب موجبات آن متفاوت است.

روند پژوهش:

این پژوهش از چهار فصل اصلی تشکیل شده است که مباحث زیر در آن بررسی می‌شود: فصل نخست چهارچوب-های مفهومی و بنیادهای حقوق کیفری است که از سه زیرمجموعه تشکیل شده است، نخست مفهوم شناسی است که متغیرهای عنوان پژوهش در آن بررسی شده است و مفاهیمی همچون مبنا، عقل، فقه امامیه، رویکرد و قوانین موضوعه ایران در آن بررسی می‌شود، دوم فلسفه حقوق کیفری (۴-۱-۱) و بنیادهای عقلی حقوق کیفری است، ذیل این قسمت، مباحث مرتبط با حقوق کیفری به‌طور کلی، مفاهیم اصلی حقوق کیفری و ارتباط فقه با حقوق کیفری را تعریف و بررسی می‌کنیم، سوم بنیادهای عقلی حقوق کیفری است که مفاهیمی عام هستند و ذیل فطریات، کرامت انسان، اصول (واجبات) نظامیه، حسن عدل و قبح ظلم و وجوب دفع ضرر محتمل بررسی می‌شوند.

فصل دوم درباره مصالح و مفاسد عامه است، ابتدا مقاصد پنج‌گانه احکام کیفری در این قسمت بررسی می‌شود و بیان خواهد شد، چگونه با جرم‌انگاری و تعیین و اعمال مجازات از این مقاصد حمایت صورت می‌گیرد و با مفاسد مقابله می‌شود. فصل سوم حسن و قبح عقلی است، کارکردهای عقل نظری و عقل عملی در حقوق کیفری در این فصل بررسی می‌شود. فصل چهارم تحلیل ماهیت اعتباری است، در این قسمت نیز ابتدا مفهوم شناسی سپس ماهیت اعتباری جرم (موضوع) و در آخر ماهیت اعتباری مجازات را بررسی می‌کنیم.

منطق چینش فصل‌های رساله بدین شرح است که پس از بیان مقدمه و توضیح مسئله، پرسش‌ها، فرضیه‌ها و ... مفهوم شناسی صورت می‌گیرد و متغیرهای پژوهش تبیین و توضیح داده می‌شود، سپس خواننده باید مفهوم مورد نظر پژوهش را از مفاهیم حقوق کیفری که در جای‌جای پژوهش می‌آید، بداند، لذا فلسفه حقوق کیفری بررسی می‌شود، در ادامه بنیادهای عقلی حقوق کیفری بررسی می‌شود، مفاهیمی کلی که گزاره‌های مندرج در مصالح و مفاسد عامه و حسن و قبح عقلی از آن منبعث هستند. در ادامه ماهیت اعتباری حقوق کیفری به پیروی از نظریه اعتباریات تحلیل می‌گردد و در آخر نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌گردد.

مهمترین یافته‌ها :

۱. بازنگری در منابع علم حقوق امری ضروری است که خود تحقیقاتی گسترده می‌طلبد و جای بحث دقیق از منابع حقوق کیفری ذیل درس فلسفه حقوق کیفری در تحصیلات تکمیلی رشته حقوق جزا خالی است. پژوهش‌های نظری هرچه بیشتر پیرامون مدرکات عقل نتایجی را دربر دارد، از اشتباه در انتساب بسیاری از گزاره‌ها به نویسندگان قرن‌های اخیر جلوگیری می‌کند، زیرا همان‌طور که بیان شد، مشهور نویسندگان اصل تناسب جرم با مجازات را به منتسکیو و اصل شخصی بودن مجازات را به بکار یا نسبت می‌دهند، این اشتباه از ناشناخته بودن منبع عقل و یافته‌های آن سرچشمه می‌گیرد.
۲. اهتمام بیشتر به بحث از ماهیت اعتباری حقوق کیفری صورت گیرد؛ بحث از ماهیت اعتباری حقوق کیفری را نباید فلسفی محض پنداشت، مثلاً استفاده از ارکان اعتباری جرم در تحلیل واقعه مجرمانه این فایده عملی را در پی دارد که انگیزه دقیق مرتکب را می‌توان یافت، انگیزه شرافتمندانه مرتکب یکی از عوامل مخففه جرم است که قضات را در امکان استفاده از عوامل مخففه مسلط می‌سازد و وکلای دادگستری با یافتن آن امکان دفاع از متهم را جهت اعمال عوامل مخففه جرم پیدا می‌کنند. بحث از ماهیت مجازات نیز این فایده را دربردارد تا قانون‌گذار با در نظر گرفتن دو اصل کوشش برای بقا و اصل انطباق با محیط در مجازات‌های تعزیری و اقدامات تأمینی و تربیتی بازنگری مکرر انجام دهد و با به روز کردن آنها حیات خود را هرچه بیشتر تضمین کند.
۳. از مدرکات عقل در حل مسائل فقهی حقوقی - که نمونه‌ای از آن در پیوست ۱ ارائه شده است - استفاده گردد؛ این مهم قانون‌گذار را در بهره‌گیری از پژوهش‌ها یاری می‌رساند و به اتقان احکام مندرج در قوانین کمک می‌کند.
۴. حقوق‌ورزان بالاخص قضات در بکارگیری منبع عقل تعلیم داده شوند، رجوع به منبع عقل به تبیین روش شناسی عقل نیز نیازمند است؛ زیرا اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی تصریح دارد: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوای معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.» یکی از این منابع معتبر عقل است. تسلط قضات به مباحثی چون فطریات، واجبات نظامیه، حسن عدل و قبح ظلم و مباحثی چون حفظ مقاصد شریعت، کارکردهای عقل نظری و عقل عملی این فایده را در بردارد تا قضات و حقوق‌ورزان را یاری رساند تا با مراجعه به منبع عقل، یافته‌های عقلی را در احکام کیفری بکار برند، آنچه تقریباً احکام قضایی از آنها خالی است و منابع و فتاوای معتبر غالباً به نقلیات محدود شده‌اند.

تأیید استاد همنما